



## بررسی سیاست‌های روسیه در خلیج فارس (دوران جنگ سرد و پس از آن)

عمران علی زاده دانشجوی و دکترای تخصصی جغرافیای سیاسی  
مهرداد بردبار طاهر گورابی کارشناس ارشد جغرافیایی سیاسی

پیوندهای تجاری و اقتصادی خود را با جنوب آسیا، شرق دور، استرالیا، آفریقا و کشورهای حوزه خلیج فارس مستحکم سازد و از طرف خلیج فارس و دریای عمان و سواحل شمالی اقیانوس هند که از نظر نظامی استراتژیک محل تماس استراتژی بری و استراتژی بحری می‌باشند، می‌توانست حلقه‌ی محاصره شوروی سابق را بشکند و امنیت مرزهای جنوبی این کشور را به ارمغان آورد. نفت خلیج فارس هیچگاه برای شوروی سابق دارای اهمیت نبود بلکه خلیج فارس از دیدگاه شوروی سابق حاشیه امنیتی محسوب می‌شد و طلایی‌ترین فرصت شوروی برای حضور در خلیج فارس زمانی بود که پس از پایان جنگ دوم جهانی، انگلستان تصمیم به خروج از خلیج فارس

### علايق شوروی در خلیج فارس

تمامی سیاست‌های شوروی در زمان جنگ سرد متأثر از وضعیت قاره‌ای و نامساعد این کشور بود. شوروی کشوری بسیار پهناور بود، ولی از نظر دسترسی به دریاهای آزاد وضعیتی نامطلوب داشت. زیرا آب‌های آزاد شمال شوروی به علت وضعیت سرما و یخبندان در اکثر ماه‌های سال عملاً غیر قابل استفاده به نظر می‌رسید و گذرگاه‌های آبی واقع در غرب این کشور یا در سمت شرق آن اکثراً تحت کنترل نیروی دریایی آمریکا و ناتو قرار داشتند. به همین منظور داشتن بندری در آب‌های گرم خلیج فارس برای شوروی می‌توانست اهمیتی استراتژیک داشته باشد، زیرا از این طریق می‌توانست

اهمیت ژئوپلیتیکی خلیج فارس بر کسی پوشیده نیست. این منطقه دارای عوامل ژئوپلیتیکی بسیار ممتازی است که می‌توان این عوامل را ناشی از موقعیت ویژه طبیعی و انسانی آن دانست. از دیدگاه طبیعی موقعیت راهبردی آن که سه قاره‌ی اروپا، آسیا و آفریقا را به هم پیوند می‌دهد و نیز وجود عظیم‌ترین ذخایر نفت و گاز جهان در آن بسیار با اهمیت است. از دیدگاه انسانی نیز این منطقه ویژگی‌های منحصر به فردی را داراست، قلب جهان اسلام و مقدس‌ترین مکان‌های مذهبی مسلمانان در این منطقه قرار دارد و با توجه به جمعیت بالای آن و ثروت هنگفتی که از طریق فروش منابع انرژی به دست می‌آید، به بازار مهم فروش کالاهای سرمایه‌ای، خدماتی و مصرفی در جهان تبدیل شده است.

این چنین موقعیت ممتازی، سبب می‌شود تا قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای نزدیک به خلیج فارس همواره سعی در نفوذ سیاسی - اقتصادی در این منطقه داشته باشند.

این مقاله پس از بررسی سیاست‌های اتحاد جماهیر شوروی در زمان جنگ سرد به عنوان قدرتی جهانی و مقایسه آن با سیاست‌های روسیه بعد از فروپاشی بلوک شرق به عنوان یک قدرت منطقه‌ای به تغییرات سیاست خارجی این کشور و دلایل مربوط به آن در منطقه خلیج فارس می‌پردازد.

گرفت. در آن زمان به دلیل نزدیکی شوروی به خلیج فارس حضور اتحاد شوروی در این منطقه بسیار محتمل تر به نظر می رسید. ولی از آن جا که بیشتر از حضور مستقیم در خلیج فارس، برای حفظ حاشیه امنیتی خود در جنوب سعی داشت تا آمریکا و ناتو به طور مستقیم وارد خلیج فارس نشوند، با طرح شاه وقت ایران که به جهانیان هشدار داده بود پس از خروج انگلستان هیچ کس جز قدرت های ساحلی مسوول خلیج فارس نخواهند بود، موافقت نمود. در



همین راستا از سال ۱۹۶۲ شوروی در پی تحکیم روابط خود با ایران برآمد و با وجود روابط نزدیک مسکو با بغداد که سال ها بود با ایران روابطی تیره داشت، اتحاد شوروی آشکارا مصمم بود تا جایی که می تواند، از گزینش میان عراق و ایران در کشمکش هایشان پرهیز کند. این سیاست یکی از برگ های برنده ایران زمان در اختیار گرفتن مجدد جزایر تنب و ابوموسی در خلیج فارس بود که اعتراض شدید کشورهای عربی متمایل به شوروی را نیز در پی داشت. در طول دوران جنگ سرد این موازنه بین

قدرت های خلیج فارس که متمایل به غرب و با متمایز به شرق بودند توسط شوروی ادامه داشت. به عنوان مثال در سال ۱۹۷۲ طی قراردادی ۱۵ ساله با عراق تعهد نمود جنگ افزار نظامی عراق را تامین کند و در ساخت پایگاه دریایی ام القصر در منتهی الیه خلیج فارس کمک های تکنولوژیک در اختیار این کشور قرار دهد. این در حالی بود که شوروی با امضای یک موافقت نامه اقتصادی ۱۵ ساله نیز با دولت ایران، تعهد نمود که ضمن ساخت کارخانه ذوب آهن در ایران، با احداث خط لوله ای ۱۲۰۰ کیلومتری از خوزستان تا آستارا مقادیر زیادی گاز طبیعی از ایران خریداری نماید. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و حذف ایران به عنوان ژاندارم منطقه خلیج فارس، آمریکا در این منطقه دست به تشکیل نیروهای واکنش سریع در سال ۱۹۸۰ زد که با اعتراض شدید شوروی و ارایه طرح ۵ ماده ای برژنف همراه بود که در آن به استقلال کشورهای حوزه خلیج فارس و عدم استفاده از زور و همچنین عدم تاسیس پایگاه های نظامی در خلیج فارس و جزایر آن تاکید داشت.

### کنفدراسیون روسیه و چرخش سیاست ها

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱، فدراسیون روسیه جانشین آن گردید. مهمترین مشکل روسیه پس از تولد، مشکلات اقتصادی داخلی این کشور بود. روسیه در آن سال ها انتظار داشت غرب در بازسازی و توسعه صنایع این کشور سرمایه گذاری هنگفتی در خاک روسیه انجام دهد. به همین دلیل روسیه ضمن پذیرفتن حضور وسیع نظامی آمریکا در خلیج فارس، تمامی قطعنامه های سازمان ملل درباره محکومیت عراق در جریان بحران خلیج فارس را پذیرفت. روسیه خیلی زود آگاه شد که از کمک های اقتصادی غرب بهره ای نخواهد برد. پس از آن و از سال ۱۹۹۲ روسیه با فرستادن هیات های عالی رتبه به کشورهای حوزه خلیج فارس سعی نمود تا علاوه بر فروش تسلیحات روسی به آنها، به جذب دلارهای نفتی اعراب که با بهره کم در بانک های غربی وجود داشت، بپردازد. حضور روسیه که پس از جنگ سرد در خلیج فارس صرفا اهداف اقتصادی داشت پس از ظهور موج جدید بنیادگرایی اسلامی که در ابتدا تنها منافع ایالات متحده را در منطقه و جهان به چالش می کشاند و منشا آن در منطقه خلیج فارس بود، دچار

تحول گردید. روسیه ابتدا از این که بنیادگرایی اسلامی که وجوه مختلف آن توسط ایران و عربستان سعودی مورد حمایت قرار می گرفت، می تواند از حضور روزافزون ایالات متحده در نقاط مختلف جهان خصوصا در مرزهای جنوبی این کشور تا حد قابل ملاحظه ای بکاهد، بسیار خرسند بود. ولی پس از گذشت مدت زمان کوتاهی به این نتیجه رسید که هر گونه بی ثباتی در خلیج فارس و مناطق ژئوپلیتیکی نزدیک به روسیه می تواند بر ثبات جمهوری های آسیای مرکزی که همیشه حیات خلوت روسیه محسوب می شدند، تاثیر فراوانی بگذارد. خصوصا این که غالب مردم این منطقه مسلمان بوده و موج بنیادگرایی در این منطقه بسیار سریع می توانست منافع حیاتی روسیه را به خطر اندازد. حرکت بنیادگرایی در مناطق اطراف روسیه بسیار زودتر از آنچه تصور می شد روسیه را به چالش کشاند. تهدید اسلام سیاسی در قفقاز خصوصا جمهوری خودمختار چچن سال های پس از جنگ سرد تاکنون همواره مشکلات مهم امنیتی و اقتصادی را برای روسیه به دنبال داشته است. نزدیکی روسیه به ایران و در سال های اخیر به عربستان سعودی علاوه بر منافع مالی می تواند از حمایت این دو کشور قدرتمند خلیج فارس از بنیادگرایان اسلامی در قفقاز به مقدار قابل توجهی بکاهد. در این مورد سخنان "الک پرسپکین" سفیر روسیه در لبنان نقش روسیه را در خاورمیانه به درستی بیان می کند: "ما به عنوان کشوری طرفدار صلح به حل مشکلات کمک می کنیم. اما فدراسیون روسیه امروزی، شوروی دیروز نیست. ما استفاده از ابزار فشار را رد می کنیم و به جای آن تاکید بر تفاهم داریم".

این دیدگاه ها و سیاست های متفاوت روسیه در خلیج فارس ثابت می کند این کشور از سیاستی صرفا امنیتی در زمان شوروی سابق و سیاستی صرفا اقتصادی در اوایل تشکیل فدراسیون روسیه به سیاستی امنیتی- اقتصادی در سال های اخیر در خلیج فارس تغییر جهت داده است. این تغییر جهت را می توان در چرخش روسیه از غرب در اوایل فروپاشی شوروی به سمت شرق (پیمان شانگهای با چین و کشورهای آسیای مرکزی) در سال های اخیر نیز نسبت داد. آینده نشان خواهد داد که اولویت سیاست های روسیه در منافع امنیتی خواهد بود یا منافع اقتصادی؟ چرخش سیاست های ایالات متحده در خلیج فارس پاسخ به این سوال را در کوتاه مدت میسر خواهد نمود.